



برترین های

فاطمه

برترین های فاطمه سلام الله علیها

فیلتر منبر فاطمه

موضوع: فیش منبر فاطمیه

عنوان: برترین های فاطمه (سلام الله علیها)

صاحب امتیاز: گروه تبلیغی پژوهشی مهاجر

گرد آورنده و تدوین کننده: گروه مهاجر

طراحی صفحه: گروه گرافیک مهاجر

نوبت نشر: اول

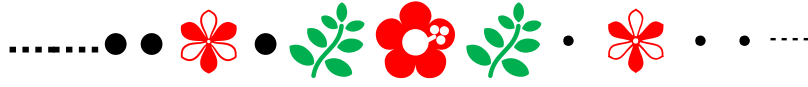
تیراژ: ۴۰۰۰

سال نشر: ۱۳۹۹ / کانال فیش منبر و مرثیه

فصل: پاییز

سلام الله علیها

بهترین های فاطمه



جلسه سوم



باتقوا ترین

فهرست مطالب

- ۷ موضوع کلی : برترین های فاطمه
- ۷ جلسه سوم : باتقوا ترین
- ۱۰ تقوا چیست؟
- ۱۱ چیستی تقوا در کلام رهبر
- ۱۴ یک لحظه تقوا یک عمر آسایش
- ۱۶ اهمیت تقوا در کلام حضرت زهرا سلام الله علیها
- ۱۷ اهمیت تقوا در کلام امیرالمومنین علیه السلام
- ۱۹ یک نکته علمی و دقیق
- ۲۰ ابعاد تقوا:
- ۲۰ ۱- تقوای اقتصادی
- ۲۱ داستان عجیب از اثر لقمه حرام
- ۲۳ ۲- تقوای اجتماعی
- ۲۴ داستان عجیب همسایه داری
- ۲۶ ۳- تقوای سیاسی
- ۲۷ قیامت مسئولین
- ۳۰ آثار و نتایج تقوای سیاسی

- «از کجا آورده‌ای؟» ۳۲
- ۴- تقوای خانوادگی ۳۶
- ۵- تقوای فردی ۳۶
- آثار تقوا ۳۶
- ۱ بهره‌مندی از هدایت قرآن: ۳۷
- ۲ مشمول لطف خاص خداوند شدن: ۳۷
- ۳ حق سرپرستی مسجد الحرام: ۳۷
- ۴ محبوب خداوند شدن: ۳۷
- ۵ قبولی و پذیرفته شدن اعمال: ۳۷
- ۶ عاقبت نیک داشتن: ۳۷
- ۷ آماده شدن بهشت برای آنها: ۳۷
- ۸ نزدیک شدن بهشت به سوی آنها: ۳۸
- ۹ رسیدن به فوز و رستگاری: ۳۸
- ۱۰ رسیدن به مقام امین: ۳۸
- ۱۱ نورانی بودن متقین: ۳۸
- ۱۲ حشر با خداوند رحمان: ۳۸
- ۱۳ بهره برداری از انواع نعم بهشتی: ۳۸

راههای رسیدن به تقوا ۳۹

۱ عبادت: ۳۹

۲ عدالت: ۳۹

۳ تعهد: ۳۹

۴ عفو: ۴۰

۵ هدایت: ۴۰

۶ ایجاد امنیت و پاکسازی: ۴۰

۷ روزه: ۴۰

۸ صراط مستقیم وحدت: ۴۰

۹ روابط زناشویی و خانوادگی سالم: ۴۰

۱۰- آنچه دلمان خواست ترک کنیم و آنچه خدا دوست داشت

را انجام دهیم..... ۴۱

منابع و پی نوشت ۴۲

موضوع کلی : برترین های فاطمه

جلسه سوم : باتقوا ترین

ریز موضوع : حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها باتقوا ترین مردم بود. أَنْتِ
أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبْرَ وَ أَتَقَى

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين نحمده و نستعينه و نستغفره و نتوكل عليه و
نصلي و نسلم على حبيبه و نجيبه و خيرته في خلقه حافظ سره و مبلغ
رسالاته بشير نعمته و نذير نقمته سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى
محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداه المهديين سيما
بقية الله في الارضين و صلى الله على ائمة المؤمنين و هداة
المستضعفين . (خطبه از رهبر معظم انقلاب)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ
مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

نثار بی بی دو عالم حضرت زهرا سلام الله علیها و تعجیل در فرج فرزندش
امام زمان عجل الله تعالی فرجه صلواتی ختم کنید

وجود نازنین امیرالمومنین علی علیه السلام که هم همسر و هم امام زمان
حضرت فاطمه سلام الله علیها است پنج صفت در مورد حضرت فاطمه سلام

الله علیها در آخر عمر حضرت بیان می کنند به فضل الهی هر شب در مورد یکی از آن صفات با همدیگه صحبت می کنیم

ابتدا روایت رو براتون بیان کنم روایت در کتاب شریف بحار الأنوار ج ۴۳، ص: ۱۹ علامه مجلسی می باشد.

در لحظات آخر عمر پربرکت بی بی دو عالم حضرت زهرا سلام الله علیها مطالب مهم بین امام علی علیه السلام رد و بدل شده که دارای نکات عمیقی است

أَنَا أُوصِيكَ بِأَشْيَاءَ فِي قَلْبِي قَالَ لَهَا عَلِيٌّ ع أُوصِينِي بِمَا أَحْبَبْتَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهَا وَ أَخْرَجَ مِنْ كَانٍ فِي الْبَيْتِ ثُمَّ قَالَتْ يَا ابْنَ عَمٍّ مَا عَهَدْتَنِي كَاذِبَةً وَ لَا خَائِنَةً وَ لَا خَالَفْتِكَ مِنْذُ عَاشَرْتَنِي فَقَالَ ع مَعَاذَ اللَّهِ أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبْرَ وَ أَنْقَى وَ أَكْرَمُ وَ أَشَدَّ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ مِنْ أَنْ أُوبِخَكَ بِمُخَالَفَتِي قَدْ عَزَّ عَلَيَّ مُفَارَقَتُكَ وَ تَفَقُّدُكَ إِلَّا أَنَّهُ أَمْرٌ لَا بُدَّ مِنْهُ وَ اللَّهُ جَدَّدَتْ عَلَيَّ مُصِيبَةَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَدْ عَظُمَتْ وَفَاتُكَ وَ فَقْدُكَ فَا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَا جِعُونَ مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَفْجَعَهَا وَ آآلَمَهَا وَ أَمْضَاهَا وَ أَحْزَنَهَا هَذِهِ وَ اللَّهُ مُصِيبَةٌ لَا عَزَاءَ لَهَا وَ رَزِيَّةٌ لَا خَلْفَ لَهَا ثُمَّ بَكَيَا جَمِيعًا سَاعَةً وَ أَخَذَ عَلِيٌّ رَأْسَهَا وَ ضَمَّهَا إِلَى صَدْرِهِ

پسر عمو! اجل من فرا رسیده، من ساعت به ساعت خودم را این طور می بینم که دارم به پدرم ملحق می شوم. در باره این مطالبی که در قلب خود دارم به تو وصیت می کنم.

حضرت علی علیه السلام فرمود: ای دختر پیغمبر هر وصیتی که دوست داری بکن، سپس بالای سر حضرت زهرا نشست و دستور داد تا افرادی که در اطاق بودند خارج شدند.

پس از آن حضرت فاطمه فرمود: پسر عمو! آیا در این مدتی که تو با من معاشرت داشتی، دروغ و خیانت و مخالفتی از من دیدی؟

حضرت امیر علیه السلام فرمود: ابد!!! به خداوند پناه می‌برم! تو به وجود خداوند داناتری و نیکوکارتر و **پرهیزکارتر** و گرمی‌تر و از خدا خائف‌تر از آنی که من تو را به علت مخالفت کردن سرزنش نمایم. حقا که فراق و فقدان تو برای من بسیار ناگوار است، ولی چه باید کرد، چاره‌ای نیست. به خداوند سوگند که تو مصیبت پیامبر خدا را برای من تجدید کردی، حقا که فوت و از دست رفتن تو خیلی برای من سنگین و بزرگ است. انا لله و انا الیه راجعون به خداوند سوگند که این مصیبت دردناکترین و غصه‌دارترین مصیبتی است که هیچ تسلیت و تعزیتی با آن برابری نمی‌کند و جانشین آن نخواهد شد!! سپس حضرت علی و زهرا علیهما السلام مدتی گریستند، آنگاه علی علیه السلام سر مبارک فاطمه علیها السلام را بلند کرد و به سینه خود نهاد (۱)

سومین ویژگی که مولا در مورد حضرت زهرا سلام الله علیها می‌فرمایند این است که فاطمه جان **أَنْتِ أَتَقِي** تو باتقواترین مردم و خلق هستی. مراد از کلمه "اتقی" هر کسی است که از شخصی دیگر با تقواتر باشد، و بیش از او از گناهان پروا کند (۲) در این جلسه از چیستی و چرایی و چگونگی تقوا صحبت می‌کنیم و نمونه‌های از زندگانی نورانی حضرت زهرا سلام الله علیها بیان می‌کنیم.

تقوا چیست؟

چرا تقوا؟

تقوا چگونه؟

تقوا چیست؟

تقوا در لغت به معنای پرهیزکاری و در اصطلاح به معنای خود نگهداری در برابر گناه است.

در عربی امروز به ترمز «وقایه» می‌گویند. وقایه از وقی و هم‌ریشه باتقواست؛ بنابراین تقوا یعنی ترمز در برابر چراغ‌قرمزها و توقف در برابر گناه و ترمز و توقف در برابر هر چیز غیر خدا.

از سالکی پرسیدند که «تقوا چگونه است؟» گفت: «هرگاه در زمینی وارد شدی که در آن خار وجود دارد، چه می‌کنی؟» گفت «دامن برمی‌گیرم و خویشتن را مواظبت می‌نمایم.» گفت: «در دنیا نیز چنین کن که تقوا این‌گونه است» (۳)

تقوا به معنای گوشه‌نشینی و فاصله گرفتن از جامعه نیست. امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه معروف متقین در توصیف افراد باتقوا می‌فرماید: «پرهیزکاران در این دنیا اهل فضائل‌اند، گفتارشان صواب، پوشاکشان اقتصادی و رفتارشان افتادگی است. از آنچه خدا بر آنان حرام کرده، چشم پوشیده و گوش‌های خود را وقف دانش با منفعت نموده‌اند. آنان را در بلا و سختی و آسایش و راحت حالتی یکسان است و اگر خداوند برای اقامتشان در دنیا زمان معینی را

مقرر نکرده بود، از شوق ثواب و بیم از عذاب به اندازه چشم به هم زدنی روحشان در بدنشان قرار نمی‌گرفت. خداوند در باطنشان بزرگ و غیر او در دیدگانشان کوچک است. آنان با بهشت چنان‌اند که گویی آن را دیده و در فضایش غرق نعمت‌اند و با عذاب جهنم چنان‌اند که گویی آن را مشاهده نموده و در آن معذب‌اند.» (۴) (۵)

حضرت آیت الله مجتهدی تهرانی می‌فرمودند: تقوا این است که اگر ماهواره ای از تمام اعمال شما مخفیانه فیلم بگیرد و یک هفته هرکاری که کرده‌اید ضبط شود. بعد به شما بگویند که دیشب اعمال شما را تلویزیون نشان داد و در تمام ایران پخش شد.

اگر ناراحت شدید و گفتید: ای وای آبرویم رفت. که کارهایی که نباید می‌کردم، معلوم می‌شود بی تقوا هستید. اما اگر ناراحت نشدید و گفتید ما که کاربدی نکرده ایم معلوم می‌شود با تقوا هستید.

چیستی تقوا در کلام رهبر

یک وقتی رهبر معظم انقلاب در مورد چیستی تقوا می‌فرمودند:

تقوا یعنی چه؟ تقوا آن طوری که در ترجمه‌ها رایج شده که درست هم هست، یعنی «پروا کردن»، یا در تعبیرات معمولی ماها «ملاحظه کردن»؛ [مثلاً] می‌گویند فلانی ملاحظه‌ی فلانی را دارد، یا شما ملاحظه‌ی فلان کس را دارید؛ پروا یعنی این. پروا کردن، ملاحظه کردن، معنای تقوا است. اتَّقُوا الله، (۶) یعنی ملاحظه‌ی خدا را بکنید، پروا داشته باشید از خدای متعال. یک

خط مستقیمی به شما نشان داده است در این حرکت عظیم حیات بشری که محفوف به مشکلات است. فرض کنید مثل زمینی که این گوشه و آن گوشه‌اش مین وجود دارد که یک راهی را باز میکنند، میگویند این راه، راه سلامت است، راه امنیت است، از اینجا بروید؛ صراط مستقیم این است. ملاحظه‌ی خدا - اتَّقُوا اللَّهَ - یعنی حواستان باشد از این راه منحرف نشوید، کج و راست نشوید که گرفتار خواهید شد، مشکل برایتان درست میشود.

اگر از این راه رفتید، آن وقت نتایج خوبی به دست شما خواهد رسید که آن نتایج را هم خدا در قرآن مکرر در آیات متعدد قرآنی بیان کرده: اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ (۷) رحمت الهی؛ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۸) - فلاح یعنی رستگاری - اگر تقوا بود، رستگاری برای انسان پیش می‌آید؛ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ (۹) - که در بعضی از آیات هست - تقوا موجب هدایت است، وقتی تقوا پیشه کردید، مشکلات، کوره‌راه‌ها از جلوی شما عقب خواهد رفت و راه درست برای شما روشن خواهد شد. اگر تقوا داشته باشید، موجب فرقان است: يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا؛ (۱۰) فرقان یعنی قدرت تشخیص؛ [این] خیلی مهم است. ما در همه‌ی مسائل زندگی نیاز داریم به قدرت تشخیص که راه درست را از نادرست، حق را از باطل تشخیص بدهیم؛ با «تقوا» فرقان به وجود می‌آید، قدرت تشخیص به وجود می‌آید. یک چیز دیگر: وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۱۱) - «مَخْرَج» یعنی بن‌بست‌شکنی - اگر تقوا باشد، بن‌بستی وجود ندارد، بن‌بست در کارتان نیست. در همه‌ی زمینه‌ها اگر تقوا داشته باشید، مراعات کنید، همان پروای مورد نظر و ملاحظه‌ی از خدای متعال را داشته باشید، بن‌بستی در مقابل شما وجود ندارد. و بصیرت [هم به انسان میدهد]. اینها وعده‌های قرآنی است

برای تقوا. وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلاً؛ (۱۲) هیچ کس، هیچ وعده‌دهنده‌ای صادق‌تر از خدای متعال نیست؛ وقتی خدای متعال وعده می‌دهد، تحقق پیدا میکند، قطعی است و در این شکی نیست.

خب، در حاشیه‌ی دعوت به تقوا در قرآن - که از اول تا آخر آن بارها و بارها ماها به تقوا دعوت شدیم؛ به همین حقیقت کارساز و راهگشا- و در قبال این، تقوای از غیر خدا هم مطرح شده که به نظرم در سوره‌ی نحل است: وَ لَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ؛ (۱۳) آیا از غیر خدا ملاحظه میکنید؟ خب، غیر خدا یعنی چه؟ ملاحظه‌ی پدر انسان، مادر انسان که خوب است، ملاحظه‌ی برادر مؤمن که خیلی خوب است، اینها مراد نیست؛ یعنی قدرتهای غیر خدایی، قدرتهای ضدّ خدایی. پس وقتی ما پایبند تقوا شدیم، از قدرت خدا پروا میکنیم، از قدرتهای غیر خدا پروا نمیکنیم؛ «پروا نمیکنیم» یعنی ملاحظه‌ی آنها را نمیکنیم. نه اینکه حواسمان را جمع نمیکنیم؛ چرا، باید حواسمان جمع باشد اما از آنها نمیترسیم، فکر نمیکنیم که زندگی ما، سعادت ما، آینده‌ی ما، سرنوشت ما دست آنها است؛ این لازمه‌ی تقوا است. ببینید؛ اینها همه راه‌های پیروزی یک ملت است، یعنی در یک امت اسلامی وقتی تقوا بود، و این جور اندیشیدن، و این جور عمل کردن بود، قهراً شکوفایی پیش می‌آید، حرکت پیش می‌آید و پیشروی، اعتلا، ارتقا، و آن وقت «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (۱۴) میشود که [از سوی] خدای متعال، مکرر و چند بار در قرآن آمده است.

تقوا دامنه‌ی وسیعی هم دارد؛ یعنی از خلوت دل شما تقوا وجود دارد که شهوات را در دل راه ندهید، ریب و شک در حق را در دل راه ندهید، هوای

نفس را از خودتان دور کنید؛ [یعنی] این مشکلاتی که ماها دچارش هستیم. (۱۵)

یک لحظه تقوا یک عمر آسایش

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله، در شهر مدینه مردی بود با چهره‌ای آراسته و ظاهری پاک و پاکیزه، آنچنان که گویی در میان اهل ایمان انسانی نخبه و برجسته است.

او در بعضی از شبها به دور از چشم مردمان به دزدی می‌رفت و به خانه‌های اهل مدینه دستبرد می‌زد.

شبی برای دزدی از دیوار خانه‌ای بالا رفت، دید اثاث زیادی در میان خانه قرار دارد و جز یک زن جوان کسی در آن خانه نیست!

پیش خود گفت: مرا امشب دو خوشحالی است، یکی بردن این همه اثاث قیمتی، یکی هم درآویختن با این زن!

در این حال و هوا بود که ناگهان برقی غیبی به دل او زد، آن برق راه فکرش را روشن ساخت، بدین گونه در اندیشه فرو رفت، مگر من بعد از این همه گناه و معصیت و خلاف و خطا به کام مرگ دچار نمی‌شوم، مگر بعد از مرگ خداوند مرا مؤاخذه نمی‌کند، آیا در آن روز مرا از حکومت و عذاب و عقاب حق راه گریزی هست؟

آن روز پس از اتمام حجت باید دچار خشم خدا شوم و در آتش جهنم برای ابد بسوزم. پس از اندیشه و تأمل به سختی پشیمان شد و با دست خالی به خانه خود برگشت.

چون آفتاب صبح دمید، با همان قیافه ظاهر الصلاحی و چهره غلط انداز و لباس نیکان و صالحان به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و در حضور آن حضرت نشست، ناگهان مشاهده کرد صاحب خانه شب گذشته، یعنی آن زن جوان به محضر پیامبر شرفیاب شد و عرضه داشت: زنی بدون شوهر هستم، ثروت زیادی در اختیار من است، قصد داشتم شوهر نکنم، شب گذشته به نظرم آمد دزدی به خانه‌ام آمده، اگرچه چیزی نبرده ولی مرا در وحشت و ترس انداخته، جرأت اینکه به تنهایی در آن خانه زندگی کنم برایم نمانده، اگر صلاح می‌دانید شوهری برای من انتخاب کنید.

حضرت به آن دزد اشاره کردند، آنگاه به زن فرمودند که اگر میل داری تو را هم اکنون به عقد او درآورم، عرضه داشت: از جانب من مانعی نیست. حضرت آن زن را برای آن شخص عقد بست، با هم به خانه رفتند، داستان خود را برای زن گفت که آن دزد من بودم که اگر دست به دزدی زده بودم و با تو چند لحظه بسر می‌بردم، هم مرتکب گناه مالی شده بودم و هم آلوده به معصیت شهوانی و بدون شک بیش از یک شب به وصال تو نمی‌رسیدم آن هم از طریق حرام، ولی چون به یاد خدا و قیامت افتادم و نسبت به گناه صبر کردم و دست به جانب محرمات الهیه نبردم، خداوند چنین مقدر فرمود که امشب از درب منزل وارد گردم و تا آخر عمر با تو زندگی خوشی داشته باشم

(۱۷)

اهمیت تقوا در کلام حضرت زهرا سلام الله علیها

اولین آیه ای که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در خطبه فدکیه سخن خود را به آن استناد کرد آیه ۱۱۲ سوره آل عمران بود که متن آیه این است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ». عزیزان من! این آیه دو پیام محکم دارد. اگر کسی به این دو پیام دقت کند و در زندگی اش پیاده نماید، بسیاری از مشکلاتش حل خواهد شد و در مسیر و جاده زندگی راحت خواهد بود.

اولین پیام آیه این است: مردم! تقوا داشته باشید! «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ» نهایت و آخر تقوا و بالاترین مرحله تقوا را داشته باشید! «حَقَّ تَقَاتِهِ». ما در قرآن «اتَّقُوا اللَّهَ» زیاد داریم، ولی «حَقَّ تَقَاتِهِ» همه جا نداریم، تنها در همین آیه آمده است.

زندگی مثل جاده است، شما وقتی تهران و یا شمال و یا مشهد می روید، مسیر راه گاهی صاف است مثل اتوبان قم - تهران؛ گاهی سر بالا است مثل جاده چالوس؛ گاهی سر پایین است مثل جاده هایی که در دره هایی رو به پایین وجود دارد.

جاده گاهی دارای دست اندازهای بزرگی است که سرعت را بایستی در آن کم کنید، تا بتوانید درست از آن عبور کنید. گاهی سرعت گیرها را شهرداری درست کرده تا ماشین ها آهسته بروند، به خاطر مدرسه، کارخانه و افراد زیادی که در این مسیرها رفت و آمد دارند. گاهی هم دست اندازها غیر طبیعی است، به

خاطر خرابی جاده ها دست انداز درست شده است. به وجوه چهارگانه مثال توجه کنید تا مطلبی را که ارائه می کنم درست متوجه شوید.

ما در این دنیا گویا در جاده ای در حال حرکت هستیم. روزی به دنیا آمده ایم و روزی هم از آن خواهیم رفت. بنابراین صحنه دنیا محل عبور و مرور است. حال یکی این جاده را پنجاه سال می رود و دیگری چهل سال و کسی نیز هشتاد سال. یکی اول جاده است، یکی وسط جاده و دیگری نیز آخر جاده قرار دارد و فرق نمی کند همه مسافرنند.

در حالی که همه سوار بر ماشین دنیا هستیم و از جاده زندگی می رویم؛ اما اینکه سراسیمی آن کجا و سرپایینی آن کجاست، آیا جاده مستقیم و دارای آسفالت و اتوبان است یا نه، و اینکه دست اندازهایش در کجا واقع شده است؟ اینها را بایستی بدانیم و چگونگی رانندگی در وضعیت های مختلف آن را نیز باید به درستی درک کنیم. اما در این چهار حالتی که گفته شد چه باید کرد؟! (۱۸) باید همواره اهل تقوا باشیم تا ایمن باشیم

اهمیت تقوا در کلام امیرالمومنین علیه السلام

یک داستان شنیدنی از مولا امیرالمومنین که در نهج البلاغه است برای شما بگوییم خوب دقت کنید تا اهمیت تقوا را درک کنیم و بدانیم در این دنیا به تعبیر قرآن کریم **مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ ۖ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ۗ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ** آیه ۹۶ سوره نحل آنچه نزد شماست همه نابود خواهد شد و آنچه نزد خداست (از ذخائر اعمال نیک و ثواب آخرت، تا ابد) باقی خواهد بود و البته اجری که به صابران بدهیم اجری است بسیار بهتر

از عملی که به جا می‌آوردند. اما چه چیزی در پیشگاه خدا باقی می‌ماند و در عالم برزخ و قیامت به درد ما می‌خورد.

امام علی علیه السلام در بازگشت از صفین و هنگام نزدیک شدن به گورستان کوفه فرمود (رو کردن به قبرها): **يا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَةِ** ای اهل دیار وحشت زده و **المَحَالِّ الْمُقْفَرَةِ** ای خفتگان خانه های تنهایی، و جاهای خشک و خالی، و **القُبُورِ الْمُظْلَمَةِ** و گورهای ظلمانی! **يا أَهْلَ التَّرْبَةِ** ای خاک نشینان، **يا أَهْلَ الغُرْبَةِ** ای ساکنان دیار غربت، **يا أَهْلَ الوَحْشَةِ** ای تنهاییان، **يا أَهْلَ الوَحْشَةِ** ای بی همدمان! **أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ**، و **نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ** شما پیشروان مایید که جلوتر از ما رفتید و ما نیز در پی شما آمده به شما خواهیم پیوست. (در اینجا امیرالمومنین به مرده ها سه خبر می دهد)

۱- **أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سَكِنَتْ** [بدانید که] در خانه های شما، کسانِ دیگر جای گرفته اند

۲- **وَأَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ** و همسرانتان شوهر کرده اند

۳- **وَأَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ** و اموالتان تقسیم شده است.

هذا خَبْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَبْرٌ مَا عِنْدَكُمْ؟ این خبری است که ما داریم؛ شما چه

خبر دارید؟ به تعبیر من اونور چه خبر؟؟ از عالم قبر و برزخ چه خبر؟

ثُمَّ التَّفَتَ إِلَى أَصْحَابِهِ - فَقَالَ: أَمَا لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ

امام سپس رو به یاران خود کرد و فرمود: بدانید که اینان اگر اجازه سخن

گفتن می داشتند، به شما خبر می دادند که

همه ی این داستان رو برای این مطلب گفتم که امیرالمومنین به نیابت همه مرده ها می فرمایند که در عالم قبر و برزخ چه چیزی به درد می خوره فرمودند: **أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى** بهترین ره توشه، تقوا است. (۱۹)

یک نکته علمی و دقیق

اینجا که مولا امیرالمومنین امام علی علیه السلام این آیه کریمه را به نیابت از مردگان خواندن که **أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى** (۱۹۷ بقره) کلمه خیر "اخیر" بوده که در استعمال الفش افتاده و اخیر (خیر) اسم تفضیل است یعنی بهترین توشه تقواست. اما در اینجا یک نکته علمی از **مفسر بزرگ حضرت آیت الله جوادی آملی** براتون بگویم ایشان می فرمودند: «أفعل» وصف است یا وصف تعیینی است یا وصف تفضیلی. یک وقت می گویم فلان شخص أفضل است یعنی این وصف تعیینی نیست چون غیر از او هم کسانی هستند ولی این نسبتاً أفضل از دیگران است. یک وقت وصف تعیینی است یعنی او «بالقول المطلق» أفضل است؛ (مثال): یک وقت می گویم فلان شخص أولى است یعنی دیگران هم همین حد را دارند منتها مستحب است که این ولایت را بپذیرد این امامت را بپذیرد یا این سرپرستی یا مدیریت را بپذیرد. یک وقت می گویم نه، الا و لابد او باید بپذیرد. این کلمه أفعل گاهی تفضیلی است گاهی تعیینی.

آنچه در بخش سوره مبارکه «أحزاب» آمده است که **(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)** (۲۰) أولى اسم تفضیل است به معنای وصف تعیینی است نه تفضیلی) این اولویت تعیینی است. در همان سوره در جریان طبقات ارث هم آمد که اینها کسانی هستند که ورثه میت، طبقات میت **(بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ**

بِبَعْضٍ؛ (۲۱) این اولویت تعیینی است؛ طبقه اول اولاست نسبت به طبقه دوم تعییناً، طبقه دوم اولاست نسبت به طبقه سوم تعییناً، نه تفضیلاً.

همین معنا را وجود مبارک پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در جریان غدیر درباره حضرت امیر(صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین) ذکر کرده است که «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»؛ (۲۲) یعنی وجود مبارک علی بن ابیطالب(علیه افضل صلوات المصلین) اولای تعیینی است نه تفضیلی. (یعنی فقط امیرالمومنین اولی است) در موارد دیگر که چند نفر از بزرگان سمتی دارند ولی برخی‌ها در بعضی از جهات فضیلتی دارند گفته می‌شود که فلان شخص اولاست این اولویت، اولویت تفضیلی است نه تعیینی. (۲۳) این کلمه «اخیر» خیر هم چنین است، در غالب موارد می‌تواند تفضیلی باشد در بعضی از موارد می‌تواند تعیینی باشد. یعنی در این آیه کریمه که مولا فرمودند: أَنْ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى یعنی بهترین توشه نه، بلکه فقط و فقط توشه وزاد تقوا است. این خیر در اینجا تعیینی است فقط در عالم برزخ تقوا به درد می‌خورد و بس. از اینجا می‌فهمیم که چقدر تقوا مهم است حال یکی باتقواست یکی اتقی است که امیرالمومنین فرمودند: فاطمه جان أَنْتِ أَتْقَى تو باتقواترین مردم و خلق هستی

ابعاد تقوا:

۱- تقوای اقتصادی

انسان باتقوا در زندگی در مسائل اقتصادی ملاحظه می‌کند که مال حرام و لقمه حرام در زندگی او وارد نشود. تقوای اقتصادی یعنی هم مراعات حق الله

(دادن وجوهات شرعی مثل خمس و زکات و رد مظالم و...) کندو هم مراعات حق الناس را انجام دهد.

داستان عجیب از اثر لقمه حرام

شریک بن عبد الله بن سنان نخعی، که از بالاترین حسب برخوردار بوده است این شخص عالم، از بزرگان قبیله‌ای بوده است که شاخص‌ترین چهره آن قبیله وجود مبارک مالک اشتر نخعی است، که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مادری را سراغ ندارم که نمونه او را بزاید، یعنی انسان بی‌نظیری بود.

شریک بن عبد الله را روزی به دربار مهدی عباسی آوردند، که قبل از هارون بوده است. مهدی عباسی به او گفت: شریک! نمی‌گذارم از دربار بروی، مگر یکی از این سه کار را قبول کنی؛ یا رئیس قوه قضائیه مملکت بشوی، که آن زمان «قاضی القضاة» بود. یا شغل معلمی بچه‌های مرا قبول کن. ما در اینجا یک اتاق به تو می‌دهیم، هر روز بیا و به بچه‌های ما درس بده. و یا امروز ناهار را میهمان ما باش و از غذای ما میل کن.

شریک بن عبد الله در فکر فرورفت. اگر هر سه قسمت را قبول نمی‌کرد، آخرش این بود که مهدی عباسی می‌گفت: جلاد! گردن او را بزن! و از شهدای اصیل عالم می‌شد. اما شریک در جواب گفت: منصب قاضی القضاة، قرار دادن خودم در لب جهنم است، پس این را نمی‌خواهم. معلمی بچه‌هایت را هم نمی‌خواهم، چون فکر کرد این بچه‌ها در نزد او درس بخوانند، فردا بعد از مرگ پدرشان رئیس مملکت می‌شوند و مثل او به تمام اهل مملکت ظلم

می‌کنند، لذا گفت: نه، من ظالم‌پروری هم نمی‌کنم. اما یک ناهار میهمان بودن و خوردن عیبی ندارد. قبول کرد.

مهدی عباسی به رئیس آشپزخانه دستور داد، فقط از مغز استخوان و شکر، چند نوع غذا درست کنید و بیاورید. رئیس آشپزخانه که شاهد جریان بود، رفت و بعد از دو ساعت آمد، گفت: غذا آماده است و سفره را چیده‌ایم، بفرمایید و به مهدی عباسی آرام گفت: شریک بن عبد الله، اگر امروز این غذا را بخورد، هیچگاه رستگار نخواهد شد. یعنی به قدری معلوم بود که آشپز هم فهمید.

شریک بن عبد الله سنان غذای حرام را خورد، بعد، هم منصب قاضی القضاتی را قبول کرد و هم معلمی بچه‌ها را پذیرفت، چون لقمه حرام تمام نور خدا را از باطن می‌برد و انسان را زمین‌گیر می‌کند.

برای دریافت حقوق یک ماه، به او نامه دادند که به سراغ فلان صراف برو. وقتی رفت، صراف به او گفت: یک مقداری را الآن و یک مقدار آن را چند روز دیگر می‌دهم، یک مقداری هم جنس می‌دهم. اصرار کرد که باید نقد بدهی. صراف عصبانی شد، گفت: مگر کتان و پارچه قیمتی فروخته‌ای که پول آن را نقد می‌خواهی؟ گفت: نه، از پارچه قیمتی بالاتر دینم را فروخته‌ام. «۱» این حکایت به ما هشدار می‌دهد که خوردن حرام، مساوی با دین فروشی است. حرام نخورید، حرام نپوشید، در خانه حرام زندگی نکنید، شغل حرام قبول نکنید، کار حرام نکنید. رشوه نگیرید. به دنبال مال غصبی نروید. بیت المال را اختلاس نکنید؛ زیرا باعث می‌شود که به دین‌فروشی دچار شوید.

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خیلی گرفتار هستم. تمام زندگی من به هم پیچیده است. امام علیه السلام فرمودند: دین داری؟ عرض کرد: بله، من شیعه و عاشق شما هستم. فرمود: چرا می‌گویی: گرفتارم؟ زندگی‌ام به هم پیچیده است؟ زندگی آنهایی به هم پیچیده است که دین آنها از دست رفته است. گرفتاری تو گذرا است؛ «و هو بلاءٌ قَلِيلٌ مَّكْثُهُ» (مجموعه آثار استاد انصاریان/کتاب آثار مثبت عمل، ص: ۹۹) این است اثر عدم تقوای اقتصادی در زندگی

۲- تقوای اجتماعی

آدم با تقوا در اجتماع هم مراقبت می‌کند در رفت و آمدها، صله رحم، همسایه داری و... اهل رعایت حدود الهی است. خداوند متعال در سور نسا آیه ۳۷ می‌فرماید:

وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۚ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ ۚ وَالْيَتَامَىٰ ۚ
وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ ۚ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ
وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا

و خدا را پرستید، و چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه نزدیک و همسایه دور و همنشینان و همراهان و در راه ماندگان و بردگان نیکی کنید؛ یقیناً خدا کسی را که متکبر و خودستاست، دوست ندارد.

حضرت زهرا سلام الله علیها تمام شب جمعه‌ها عبادت میکرد و احیاء می‌گرفت. هیچ شب جمعه‌ای تا صبح نمی‌خوابید و از سر شب تا صبح دعا به

مردم می‌کرد تا یک روز که امام حسن گفت: «چرا دعا همه‌اش به مردم می‌کنی؟» حضرت فرمود: «الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ» (۲۴) اول همسایه، سپس خانه.

حدیث داریم «حُرْمَةُ الْجَارِ عَلَى الْجَارِ كَحُرْمَةِ أُمِّهِ» (۲۵) یعنی احترام همسایه بر همسایه مثل احترام مادر است. (۲۶)

داستان عجیب همسایه داری

فقیه بزرگ سید جواد عاملی مؤلف کتاب باعظمت مفتاح الکرامه می‌گوید: شبی در حال غذا خوردن بودم که دق الباب کردند، به نظرم رسید کوبنده در خادم جناب سید مهدی بحر العلوم است، با عجله در را باز کردم، خادم سید گفت غذای سید را آماده و در برابرش نهاده ایم و ایشان منتظر شما هستند به شتاب حرکت کنید!

همراه خادم به خانه سید رفتم، همین که خدمت سید رسیدم و چشم او به من افتاد گفت: از خدا نمیترسی که مراقب او نیستی، آیا از حضرت حق حیا نمیکنی؟!

پرسیدم چه اتفاقی افتاده؟ گفت، مردی از برادران هم کیش تو برای خانواده‌اش هر شب خرماهای زاهدی نسبه میگرفت و وضع مالی‌اش اجازه نمیداد غیر خرما تهیه کند، اینک یک هفته بر آنان گذشته که گندم و برنج نچشیده‌اند و جز خرماهای زاهدی چیزی نیافته‌اند، امروز رفته از بقال همان خرما را بخرد، بقال به او گفته: بدهی و قرض شما از فلان مبلغ بیشتر شده و من خرما به شما نمی‌فروشم، آن مرد آبرودار شرمند شده و چیزی نخریده و به خانه برگشته و امشب خود و خانواده‌اش بدون شام و غذا شب را به روز

میآورد ولی تو خوب میخوری و با این که او را میشناسی و همسایه توست و نامش فلانی است به او توجه نداری!!

به سید گفتم: من از وضع او کمترین اطلاعی نداشتم، سید گفت اگر آگاهی داشتی و کمک نمیکردی یهودی بلکه کافر بودی!!

این خشم و درشتی من برای این است که چرا از وضع و حال برادران دینی ات تجسس نمیکنی و از همسایه احوال نمیپرسی، اکنون این ظرفهای غذا را خادمم برمیدارد با او در خانه آن مرد برو و بگو: علاقه داشتم امشب باهم غذا بخوریم و این کیسه را که مقداری پول در آن است زیر حصیر او بگذار و ظرفهای غذا را نیز برمگردان.

خادم ظرفهای پر از غذا را که در سینی بزرگی بود برداشت و تا درب خانه آن مرد آورد، آنجا از او گرفتم و در را کوبیدم، آن مرد در را باز کرد من وارد شده گفتم: میل داشتم امشب باهم غذا بخوریم، پذیرفت، هنگامی که سینی را جلو کشید ملاحظه کرد از غذاها بوی خوشی استشمام میشود و این غذا غذای ثروتمندان و ارباب نعمت است.

به من گفت: سیدجواد اعراب نمیتوانند چنین غذائی تهیه کنند، باید این غذا مربوط به شخص متمکنی باشد، داستانش را بگو تا بخورم، آنقدر بر خواسته خود پافشاری کرد تا حکایت را شرح دادم.

سوگند یاد کرد و گفت: جز خدا احدی تا الآن از حال من آگاهی نداشت، حتی همسایگان نزدیک نمیدانستند زندگی من چگونه میگردد چه رسد به کسانی که دورند و این پیش آمد را از سید بسیار عجیب و شگفت آور شمرد.

مرد تهیدست شیخ محمد نجم عاملی نام داشت، پولی که در کیسه قرار داشت شصت عدد شوش بود که واحد پول آن زمان است و هر شوشی دو ریال و اندی میشد. (۲۷)

به راستی در کجای دنیا چنین فرهنگی را سراغ دارید، که اینگونه به رعایت حقوق همسایگان سفارش کرده باشد، و اصولاً برای آنان حقوق واجبه قائل باشد، مسئله‌ی همسایه و حق او در فرهنگ اسلام و آئین اهل بیت تا جائی است که امیرمؤمنان دقایقی مانده به شهادتش و لحظاتی مانده به از دنیا رفتنش به دو فرزندش حسن و حسین و همه‌ی فرزندان‌ش و همه‌ی کسانی که نهایتاً وصیتش به آنان می‌رسد اکیداً درباره‌ی همسایگان سفارش و وصیت می‌کند و می‌فرماید:

پیامبر پیوسته ما را به همسایگان سفارش کرد، تا جائی که ما گمان کردیم همسایه از ما ارث می‌برد. «نهج البلاغه» در هر صورت همسایه چه مسلمان و چه غیر مسلمان از همسایه‌اش توقع احسان و نیکی و تفقد و رعایت حال دارد، و این توقع امری فطری و انسانی است که خداوند بر اساس آن حقوق معینی را از همسایه بر همسایه قرار داده است. (۲۸)

۳- تقوای سیاسی

تقوای سیاسی پیچیده ترین و سخت ترین نوع تقوا است در موضع گرفتن، در هنگام رای دادن، در عرصه های سیاسی باید تقوا داشت و الابی تقوایی سیاسی بویژه از ناحیه مسئولین جامعه را به لجن خواهند کشید.

مسئولین در انجام وظایف باید دقت داشته باشند و رعایت تقوا برای آنها سنگین تر است.

تقوای سیاسی، مفهومی بسیار مهم، اثرگذار و سرنوشت ساز است. چرا باید به جای اخلاق سیاسی از تعبیر تقوای سیاسی استفاده کرد؟ اهمیت و ضرورت تقوای سیاسی چیست؟ اثر تقوا و بی‌تقوایی سیاستمداران بر جامعه، اخلاق و معنویت و معیشت مردم چیست؟ چرا باید امروز از تقوای سیاسیون سخن گفت؟ بی‌تقوایی سیاسیون تا چه اندازه برای جامعه و سرنوشت مردم می‌تواند خطرناک باشد؟ سکوت یا بی‌تقوایی زبانی چه پیامدهایی در پی دارد؟ چگونه باطل در جامعه رسوخ و مستقر می‌شود؟ این‌ها سؤالات بسیار مهمی است که با تأملی در تاریخ و مسائل صدر اسلام، می‌توان اهمیت فوق‌العاده آن را بهتر دریافت. رعایت تقوی، امری مهم و تاثیرگذار بر بسیاری از مسائل تاریخی بوده و به ویژه در مقاطع مختلف تاریخ اسلام، رعایت تقوی از جانب بزرگان جامعه، می‌توانسته سرنوشت بسیاری از حوادث را تغییر دهد. حوادث ایام فاطمیه(س)، اتفاقات مهمی در حوزه تقوای سیاسی خواص بود که در آن، تقوای بسیاری از مدعیان، محک خورد. (۲۹)

به این روایت که حضرت آقا (رهبر معظم انقلاب) هم چند وقت پیش در درس خارج فقه فرمودند دقت کنید آدم پشتش می‌لرزه واقعا

قیامت مسئولین

عن النبی صلی الله علیه و آله قال: لا یؤمر رجلٌ علی عَشْرَةٍ فَمَا فَوْقَهُمْ إِلَّا جِئَ بِهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ مَغْلُوبَةً یَدُهُ اِلَى عُنُقِهِ فَاِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَكَّ عَنْهُ وَ اِنْ كَانَ مُسِيئًا زِيدَ غَلًّا اِلَى غَلِّهِ (۳۰)

لا يُؤمَّر رَجُلٌ عَلَى عَشْرَةٍ فَمَا فَوْقَهُمْ إِلَّا جِيءَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُوبَةً يَدُهُ إِلَى عُنُقِهِ

این حدیث درباره‌ی بنده و امثال بنده است؛

[رسول اکرم صلی الله علیه و آله] فرمود که هیچ کس نیست که بر ده نفر یا بیشتر ریاست و امارت داشته باشد - هر کسی که بر ده نفر، نه حالا بر هشتاد میلیون نفر امارت و ریاست داشته باشد - «إِلَّا جِيءَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُوبَةً يَدُهُ إِلَى عُنُقِهِ»، [مگر اینکه] این آدم رئیس را که این قدر در دنیا محترم است و رئیس است و مدیر است، چنین آدمی را در روز قیامت وقتی که می‌آورند، دست او را به گردنش بسته‌اند؛ یعنی دست‌بسته او را وارد محشر میکنند، آن هم به این شکل که دستش به گردنش بسته است. نفس این مسئولیت و آمریت و ریاست، یک تبعاتی دارد که ایجاب میکند این را.

▼ در آن حوزه‌ی مأموریت که ما آنجا رئیسیم، مدیریم، یک کارهای هستیم، بعضی از کارها انجام میگیرد که ما میتوانستیم مانع آن بشویم و نشدیم؛ حالا یا غفلت کردیم [وارد] نشدیم، یا از روی تنبلی وارد نشدیم؛ این کار خلاف، زیر نظر ما و در پُست نگهبانی ما انجام گرفت - پُست نگهبانی ما است دیگر - یا بعضی از کارها باید انجام میگرفت در حوزه‌ی مأموریت ما که انجام نگرفت؛ یا به خاطر اینکه ما نفهمیدیم، دقت نکردیم، تعقیب نکردیم، مشورت نکردیم، پرس‌وجو نکردیم و ندانستیم، یا نه، دانستیم، تنبلی کردیم، امروز و فردا کردیم، [گفتیم] حالا ان شاء الله بعداً، فردا، و ضایع شد، فوت شد. اگر ماها عقل داشته باشیم، باید دنبال ریاست ندویم؛ واقعاً این جور است. باید دنبال ریاست نرویم؛ ریاست این تبعات را دارد. بعضی میدوند دنبال ریاست،

نمی‌فهمند که نفس این آمریت و ریاست، این خطرات را دارد که روز قیامت وقتی او را بیاورند، مغلولاً می‌آورند؛ این چیز خیلی مهمی است. مغلولاً می‌آورند او را در پای محاسبه‌ی الهی.

﴿فَإِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَكُفِّرْ عَنْهُ﴾

اگر چنانچه او آدم خوبی بود، درستکار بود، در آنچه انجام گرفته بود تقصیری و گناهی متوجه او نبود، اینجا رها میکنند او را. بالاخره شارع مقدّس و پروردگار عالم موازینی دارد؛ یک جاهایی ممکن است که انسان معفو باشد به دلیلی؛ قصورش قصور عن تقصیر نباشد - گاهی ما قاصریم، جاهلیم اما جهلمان عن تقصیر است، گاهی نه، واقعاً تلاش خودمان را کرده‌ایم، زحمتمان را کشیده‌ایم، آخرش این [نتیجه] درآمده - این [قصور]، اینجا مورد عفو الهی است. پس اگر «محسن» باشد این آمر و این رئیس، فُكِّ عَنْهُ.

■ **﴿وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا زِيدَ غَلًّا إِلَىٰ غَلِّهِ﴾**

اما اگر نه، انسان نیکوکاری نبوده است در دنیا، خودش هم آدم بدکار و بدعملی بوده است - هر جور بدعملی‌ای که فرض کنید - اینجا آن گرفتاری و آن غل و زنجیری که به او بسته شده است، افزایش پیدا میکند.

✓ اینها را باید ما بفهمیم؛ اینها را باید بفهمیم. دنبال کرسی‌های ریاست [بودن] - چه ریاست اجرائی، چه ریاست تقنینی؛ می‌بینید برای نمایندگی مجلس بعضی خودشان را میکشند، اگر چنانچه راه پیدا نکنند به هر دلیلی یا مثلاً فرض کنید صلاحیتش را تأیید نکنند یا رأی نیاورد و غیره، خودش را به

آب و آتش و در و دیوار میزند که چرا نشد- عقل نیست، تدبیر نیست. ملاحظه کردید؟ اگر چنانچه این ریاست، مایه‌ی یک چنین دغدغه‌ای است، خب انسان رها کند؛ مگر اینکه واقعاً متوجه انسان بشود و واجب باشد برای انسان؛ آن [جا] بله [لازم است]. (۳۱)

آثار و نتایج تقوای سیاسی

از آثار و نتایج تقوای سیاسی، رعایت مساوات و عدالت و دوری از تبعیض در تقسیم امکانات از جمله بیت‌المال و برخورد با مردم می‌باشد. علامه نراقی در «جامع السعادات» به استناد حدیث پیامبر(ص) که در مورد نتیجه بیعدالتی فرموده «لایبقی من الاسلام الا اسمه و لا من القرآن الا رسمه» مینویسد : «شریف‌ترین و مهم‌ترین عدالت‌ها و برترین و عمومیت‌ترین سیاست‌ها عدالت حاکم و زمامدار است، زیرا دیگر وجوه عدالت به آن بستگی دارد و اگر آن نباشد هیچ کس نمیتواند عدالت را رعایت کند و چگونه جز این تواند بود و حال آنکه تهذیب اخلاق و تدبیر منزل متوقف بر آسودگی خاطر و انتظام احوال است»، و نتایج اجتماعی بیعدالتی اینگونه است: «... و با جور و ستم سلطان امواج متلاطم فتنه‌ها سر بر می‌آورد و انواع رنج‌ها انبوه و متراکم میشود و موانع مزاحم آسایش و آرایش رخ مینماید و سختیها و بلاهای زمانه رو می‌آورد و طالبان کمال همچون سرگشتگان در بیابان‌ها نه راهی به منزل و قصد خویش مییابند و نه راهنما و هدایت‌کننده‌ای پیدا میکند، میدان علم و عمل ویران میگردد و تاریکی همه اطراف آن دو را فرا میگیرد و دیگر ملاک و معیاری برای تحصیل سعادت‌ها یعنی آسایش خاطر و آرامش درون و انتظام ضروریات زندگی برای افراد انسان یافت نمیشود» (۳۲)

در نتیجه‌ی مستقیم عدالت یا ستمکاری حاکم با جامعه، پیامبر(ص) میفرماید: «هرگاه حاکم عادل باشد در پاداش هر طاعتی از هر رعیتی شریک است و اگر ستمکار باشد در گناهان آنان سهیم خواهد بود» و در مورد مرتبه حاکم عادل و ظالم در رستاخیز میفرماید: «نزدیکترین مردم در قیامت به خدای متعال زامدار و حاکم عادل است و دورترین آنان از او پادشاه ستمکار است» و در خصوص ارزش عدالت فرموده است «یک سال دادگری از هفتاد سال عبادت بهتر است.» (۳۳) حضرت علی(ع) نیز با پیروی از تعالیم پیامبر(ص) در مورد ارتباط حاکم با مردم میفرماید: «... در میان مردم فروتن باش و با آنان نرمخویی و انعطاف‌پذیری پیشه کن و در برخورد با آنان گشاده‌رو باش و مساوات را حتی در سطح نگاه و اشارات تعارف‌آمیز پاس دار، تا زورمندان در ظلم تو طمع نبندند و ناتوان از عدالت نومید نشوند... باید که در رابطه با حق تمامی مردم یکسان بنگریم، چرا که در جور و ستم‌ها عدالت را نتوان یافت... و در مسئولیت‌ها و تکالیف الهی، هوای نفس خویش را به چیزی مگیر و با این خودشکنی به ثوابش امید ببند و از کیفرش بیمناک باش»...

در روایتی از حضرت علی(ع) آمده که در روز قیامت در مورد هفت چیز از انسان بازخواست میکنند که عبارتند از: «انجام نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر، تقسیم بیت‌المال به طور مساوی، رعایت عدالت در میان مردم و اجرای حدود الهی» که هر یک از موارد گفته شده مصادیقی بارز از تقوا و آثار آن در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی میباشند. از التزام عملی حضرت علی(ع) به عدالت، گزارش‌ها و روایات متعددی در تاریخ آمده که از

جمله آنان تقسیم دقیق غنایم ارسالی از ایران میان رؤسای قبایل هفتگانه ساکن کوفه میباشد که حضرت حتی تکه نان باقی مانده را میان آنان بخش کرد و سرانجام نماز شکر را به جا آورد و سپس میفرماید: «باشد که روز قیامت برای من گواهی میدهد.» (۳۴) مؤلف کتاب «بیت‌المال در نهج‌البلاغه» عقیده شیعه در مورد تقسیم بیت‌المال و رد تبعیض در آن را شرح میدهد و مینویسد: «طبق مبانی شیعه به طور کلی تقسیم بیت‌المال باید به طور مساوی بین افراد باشد، ولی در پاره‌ای موارد به خاطر اموری در تقسیم به بعضی بیشتر داده میشود، مثلاً در تقسیم غنایم جنگی به جنگجویان پیاده یک سهم داده میشود، اما به جنگجویانی که سواره‌اند اگر یک اسب دارند، دو سهم داده میشود اگر چند اسب دارند، سه سهم تعلق میگیرد و این فرق به خاطر مخارج خوراک و نگهداری اسب‌ها است و این موضوع حاکی از تبعیض در تقسیم بیت‌المال نیست.» (۳۵) از دیگر صحنه‌های جالب توجه حیات امیرالمومنین در تقسیم بیت‌المال، ملاقات برادرش عقیل و داستان معروف آهن گداخته و واکنش سخت امام(ع) در برابر آن و تقسیم دانه‌های ریز کنجد و زیره بیت‌المال میان مردم بوده که الگویی برای کارگزاران و مسئولان میباشد و به عنوان مصادیقی از عدالت در سیاست و برنامه حکومتی میتوان به آن تأسی جست.

«از کجا آورده‌ای؟»

مولوامام علی(علیه السلام) به عنوان مجری قانون «از کجا آورده‌ای؟» میفرماید: «حق را در هر کجا و در مورد هر کسی از خاصان و نزدیکان که لازم آمد، اجرا کن و در این راه با امید به بازده نکویش پای بفشار، هرگاه که حق،

خویشان و نور چشمه‌های را بیازارد، در برابر سنگینی خاصی که این امر بر تو دارد، به فرجامش بیاندیش که بسی ستایشگر است.» در مخالفت با دادن امتیاز به خواص و بزرگان - که از گرد او پراکنده نشوند - و نهراسیدن از تنهایی در جبهه حق و پافشاری در تقسیم بیت‌المال قاطعانه اعلام میکند: «... آیا پیشنهاد میکنید پیروزی را با ستم به دست آورم؟ نه به خدا سوگند تا گاهی که خورشید برمیآید و ستاره‌ای در آسمان میدرخشد، هرگز چنین نخواهم کرد. به خدا سوگند اگر این اموال از خودم بود باز هم میان آنان تساوی قسمت میکردم، چه رسد به اینکه این اموال از خود مردم است.» (۳۶) «بنابراین جلوگیری از ستمکاری توانگران بر ناتوانان، گرفتن حق زبردستان از زورمندان و برپا داشتن حدود در میان مردم، حق را به صاحب حق رساندن، به داد ستمدیدگان رسیدن، به فریاد مظلومان پاسخ دادن، و میان خویش و بیگانه، ارجمند و افتاده به عدل داوری کردن» از حقوق رعیت و بر ذمه پادشاه است و باید بدون جانبداری و حب و بغض نسبت به کسی انجام گیرند، زیرا مملکت با عدل آبادان میگردد (۳۷)

پرهیز از تجملات و تشریفات:

پرهیز از تجملات و تشریفات از آثار مهم تقوا است که در گفتار و کردار حضرت علی(ع) به عنوان حاکم سیاسی جامعه نمایان است. ایشان به استناد نفی تجمل و تشریفات در مراسم حج و سیره نبوی به استفاده از نعمات الهی اشاره میکند که: «از تمامی نعماتی که خدا ارزانیت داشته است به بهترین وجه بهره‌گیری و هرگز هیچ یک از نعمت‌های خداوندی را که در اختیار داری، تباه مکن و چنان باش که آثار نعمات خدا بر تو آشکار شود.» به دیگر سخن،

برداشت حضرت از تقوا برخلاف آنهایی است که با پشمینه‌پوشی و دوری‌گزینی از نعمات دنیوی به خیال خود متقی هستند و پارسایی کنند، چرا که عصاره زهد و پارسایی در آیه ۲۳ سوره الحديد نهفته است که «الکیلا تاسوا علی مافاتکم و لا تفرحوا بما اتاکم» یعنی به آنچه از دست داده‌اید تأسف مخورید و آنچه به دست آورده‌اید شادمانی نکنید، پس تقوای الهی با رهبانیت مسیحی و پشمینه‌پوشی صوفیان تفاوت دارد.

پیروی از سیره حضرت علی(ع) برای مسئولان، خواص و نخبگان به عنوان الگوهای جامعه از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا تقوای آنان، تقوای جامعه را نیز به دنبال خواهد داشت. ایشان(ع) در این خصوص در نامه‌ای به عثمان بن حنیف استاندار بصره فرموده‌اند: «...آگاه باش که هر پیرو و مأمومی را پیشوایی است که باید از او پیروی کند و به روشنایی نور دانش وی روشنی گیرد...» و در پاسخ به همه کسانی - در همه زمان‌ها - که خود را عاجز از پیروی حضرت علی(ع) میدانند، به صراحت آورده‌اند که «...آگاه باشید که شما توان انجام این کارها را ندارید، اما مرا به پارسایی، کوشش، پاکدامنی و درستکاری یاری کنید...» و در ادامه نامه، بر نقطه حساس روحی انسان‌هایی انگشت گذاشته که وجود آنان هنوز زیر بار سنگین مادیات دفن نشده و امید می‌رود که با یاد مرگ به فطرت پاک خود بازگردند، لذا عاقبت و سرانجام آدمیان را اینگونه به تصویر میکشد: «... در حالی که جایگاه آدمی گوری است که در تاریکی آن نشانه‌هایش بر جای نماند و خبرهایش نهان گردد، گودالی است که اگر به گشادگی آن افزوده شود و دستهای گورکن فراخش سازد، سنگ و کلوخ آن را می‌فشارد و تنگ می‌سازد و خاک انباشته روزه‌های آن را می‌بندد، من نفس خود را تنها با پرهیزگاری می‌پروانم تا در روز بزرگترین بیم‌ها

و ترس‌ها ایمن باشم و در لغزشگاه نلغزم.»

تنفر حضرت در خصوص استقبال مردم شهر انبار (نزدیک بصره) از وی، جلوگیری از همراهی برخی افراد با ایشان در پیاده‌روی، خودداری از حضور افراد ایستاده در خدمت، از نمونه‌های سیره عملی اعمال تکلیف‌آمیز و سنت‌های ناپسند، رنج دنیا و بدبختی و شقاوت آخرت را به دنبال خواهد داشت، اما محترم شمردن سنت‌های پسندیده از مسائلی بود که انجام آنها را به والیان خود گوشزد میکرد. به طور مثال به مالک اشتر توصیه کرد: «...بر هم مزین آیین و سنت پسندیده‌ای را که بزرگان این امت بدان عمل کرده‌اند و مردم به سبب آن به هم پیوسته و الفت یافته‌اند و براساس آن رعیت با یکدیگر سازش و سامان پیدا کرده‌اند»...

بنابراین رفتارها و سنت‌های اجتماعی خالی از خرافات - مانند اعیاد اسلامی - که باعث پیوند مردم و مکارم اخلاق شده مورد پذیرش اسلام واقع شده‌اند، اما رفتار و صفات ناپسندی که نتایجی جز تکلف، رقابت و ریاکاری، صرف هزینه‌های گزاف و بیهوده در پی نخواهد داشت، مورد قبول پیامبر(ص) و ائمه(ع) نبوده‌اند، زیرا پیامبر(ص) در این خصوص فرموده است: «ان الذین یحب مکارم الاخلاق و یبغض سفاسفها» یعنی خداوند دوستدار بزرگواری و مکارم اخلاق است و صفات پست را که نشانه فرومایگی است دشمن میدارد.

آنچه آمد شمه‌ای از نتایج و آثار مهم تقوا در زمینه سیاست مملکت‌داری بود که حضرت علی(ع) در طی حیات کوتاه سیاسی خویش بدون هیچ عذر یا تردیدی اعمال و کارگزاران خود را بر آنها توصیه نمود و علیرغم وجود دشمنان

دانایی همچون معاویه و دوستان منافقی مانند اشعث و دینداران متحجری چون خوارج، احکام الهی را بر زمین نگذاشت و سنت پیامبر(ص) را به دلیل گذشت زمان فراموش نکرد و تربیت یاران و شاگردان مخلص را به بهانه جنگ‌های کمرشکن معطل نگذاشت که این نیز از مصادیق عدالت عملی حضرت بود که کارها را به نظم انجام میداد و تقوای سیاسی ایشان تمام اعضای جامعه را همانند اعضای پیکری واحد در بر گرفت و با عدالت و پرهیز از تشریفات و تفاخر، فریب غرور کاذب قدرت را نخورد و با نگاهی واحد، درصدد برقراری مساوات برآمد و سرانجام جان خود را در این راه نهاده و به شهادت رسید(۳۸) .

۴- تقوای خانوادگی

در خانه و خانواده هر یک از زن و مرد و فرزندان باید اهل تقوا باشند مثل خانواده فاطمی که سراسر خانه و خانواده مزین به تقوای الهی بود

۵- تقوای فردی

تمام ابعاد تقوا به این تقوا برمی گردد که هدف تمام انبیای الهی و اولیای خدا احقاق تقوای فردی در جامعه بوده است.

قرآن کریم فضائل و کمالاتی را برای متقین برشمرده است، به قسمتی از آیات اشاره می‌شود:

آثار تقوا

برگرفته از آثار استاد قرائتی

۱ بهره‌مندی از هدایت قرآن:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ بقره/ ۲.

۲ مشمول لطف خاص خداوند شدن:

وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ بقره/ ۱۹۴.

۳ حق سرپرستی مسجد الحرام:

إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ انفال/ ۳۴.

۴ محبوب خداوند شدن:

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَ اتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ آل عمران/ ۷۶.

۵ قبولی و پذیرفته شدن اعمال:

إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ مائده/ ۲۷.

۶ عاقبت نیک داشتن:

إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ اعراف/ ۱۲۸.

۷ آماده شدن بهشت برای آنها:

وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

آل عمران/ ۱۳۳.

۸ نزدیک شدن بهشت به سوی آنها:

وَ أَرْزَلَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ق / ۳۱.

۹ رسیدن به فوز و رستگاری:

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا نَبَأُ / ۳۱.

۱۰ رسیدن به مقام امین:

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ دُخَانُ / ۵۲ - ۵۱.

۱۱ نورانی بودن متقین:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ حديد / ۲۸.

۱۲ حشر با خداوند رحمان:

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا مريم / ۸۵.

۱۳ بهره برداری از انواع نعم بهشتی:

هَذَا ذِكْرٌ وَ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنٍ م آبِ جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُفْتَحَةً لَهُمُ الْاَبْوَابُ مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَ شَرَابٍ وَ عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ اُتْرَابٌ هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ص / ۵۴ - ۴۹.

۱۴ عقبه بن بشیر اسدی به حضور امام باقر (علیه السلام) آمد و گفت: " من فرزند بشیر اسدی و از خاندان بزرگ و شریفی هستم. " امام به او فرمود: " با

به رخ کشیدن حسب و نسب خود بر ما منت مگذار. ملاک برتری فقط تقوا و پرهیزکاری است: فَلَيْسَ لَأَحَدٍ فَضْلٌ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى كافی، ج ۲، ص ۳۲۸.

۱۵ مفضل بن عمر گوید: نزد امام صادق (علیه السلام) بودم. سخن از اعمال پیش آمد عرض کردم: چقدر عمل من ضعیف است. فرمود: استغفار کن، بعد فرمود: عمل اندک با تقوی بهتر از عمل زیاد بدون تقوی است. عرض کردم: چگونه؟ فرمود: مثل اینکه شخصی اطعام می‌کند و به همسایگانش نیکی می‌نماید لکن هر گاه به حرام می‌رسد خود را کنترل نمی‌کند و این عمل بدون تقوی است. کافی، ج ۲، ص ۷۶.

راههای رسیدن به تقوا

۱ عبادت:

يا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ بقره/ ۲۱.

۲ عدالت:

اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى مائده/ ۸.

۳ تعهد:

خطاب به یهود: خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ بقره/ ۶۳.

وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ بقره/ ۲۳۷.

۵ هدایت:

وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ محمد/ ۱۷.

۶ ایجاد امنیت و پاکسازی:

وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ بقره/ ۱۷۹.

۷ روزه:

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ بقره/ ۱۸۳.

۸ صراط مستقیم وحدت:

وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ
ذَلِكَ وَ صَاكُمُ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ انعام/ ۱۵۳.

۹ روابط زناشویی و خانوادگی سالم:

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ عَلِمَ
اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَ عَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَ
ابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ
الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَىٰ اللَّيْلِ وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ

عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ
لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ بقره/ ۱۸۷. (۳۹)

۱۰- آنچه دلمان خواست ترک کنیم و آنچه خدا دوست داشت را انجام
دهیم.

...

..

۱- (جامع الاحادیث نور / زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: ۶۳۱)

۲- نرم افزار کیمیای سعادت(نور)/ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص: ۵۱۵

۳- سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۷۸.

۴- نهج البلاغه، خ ۱۹۳.

۵- پایگاه اینترنتی تخصصی مسجد

۶- (سوره مبارکه البقره آیه ۱۸۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ
ترجمه :

ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید .

۷- (سوره مبارکه البقره آیه ۱۸۹

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ ۗ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ ۗ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِن ظُهُورِهَا وَلَٰكِن الْبِرُّ مَن
اتَّقَى ۗ ۖ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِن أَبْوَابِهَا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ
ترجمه :

در باره «هلالهای ماه» از تو سؤال می‌کنند؛ بگو: «آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است.» و (آن چنان که در جاهلیت مرسوم بود که به هنگام حج، که جامه احرام می‌پوشیدند، از در خانه وارد نمی‌شدند، و از نقب پشت خانه وارد می‌شدند، نکنید!) کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید؛ بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید! و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید!

۸- (سوره مبارکه الحجرات آیه ۱۰

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
ترجمه :

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید!

۹- (سوره مبارکه البقره آیه ۱۸۹)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ ۖ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ ۗ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ ۗ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ترجمه:

در باره «هلالهای ماه» از تو سؤال می‌کنند؛ بگو: «آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است.» و (آن چنان که در جاهلیت مرسوم بود که به هنگام حج، که جامه احرام می‌پوشیدند، از در خانه وارد نمی‌شدند، و از نقب پشت خانه وارد می‌شدند، نکنید!) کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید؛ بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید! و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید!

۱۰- سوره مبارکه البقره آیه ۵۳

وَإِذِ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

ترجمه:

و (نیز به خاطر آورید) هنگامی را که به موسی، کتاب و وسیله تشخیص (حق از باطل) را دادیم؛ تا هدایت شوید.

۱۱- سوره مبارکه الأنفال آیه ۲۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد؛ (روشن بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت؛) و گناهانتان را می‌پوشاند؛ و شما را می‌زمرزد؛ و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است!

۱۲- سوره مبارکه الطلاق آیه ۲

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ۗ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

ترجمه:

و چون عده آنها سر آمد، آنها را بطرز شایسته‌ای نگه دارید یا بطرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید؛ و شهادت را برای خدا برپا دارید؛ این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند،

۱۳-سوره مبارکه النساء آیه ۱۲۲

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا ۖ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا

ترجمه :

و کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، بزودی آن را در باغهایی از بهشت وارد می‌کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند. وعده حق خداوند است و کیست که در گفتار و وعده‌هایش، از خدا صادقتر باشد؟!

۱۴- سوره مبارکه النحل آیه ۵۲

وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا ۖ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ

ترجمه :

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست؛ و دین خالص (نیز) همواره از آن او می‌باشد؛ آیا از غیر او می‌ترسید؟!

۱۵- سوره مبارکه الفتح آیه ۲۸

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ ۖ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۖ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا

ترجمه :

او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادایان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد!

۱۶-بیانات در دیدار مسئولان نظام (۲۴/۰۲/۱۳۹۸)

۱۷- اسرار معراج: ۲۸. مجموعه آثار استاد انصاریان / کتاب عبرت آموز، ص: ۹۸

۱۸- از بیانات استاد رفیعی / پایگاه پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام

۱۹- جامع الاحادیث نور / نهج البلاغه: الحکمة ۱۳۰. / عنه علیه السلام - عند رُجُوعِهِ مِنْ صِفِّينَ وَ إِشْرَافِهِ عَلَى

القُب: يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَةِ ، وَ الْمَحَالِّ الْمُقْفَرَةِ ، وَ الْقُبُورِ الْمُظْلَمَةِ ، يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ ، يَا أَهْلَ الْعُرْبَةِ ، يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ ، يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ ، وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ ، أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سَكَنْتُ ، وَ أَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحْتُ ، وَ أَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ . هَذَا خَبْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَبِرٌ مَا عِنْدَكُمْ ؟ - ثُمَّ التَّفَتَ إِلَى أَصْحَابِهِ - فَقَالَ : أَمَا لَوْ أَدْنَى لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لِأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى

۲۰- سوره احزاب، آیه ۶.

۲۱- سوره احزاب، آیه ۶.

۲۲- الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۴۲۰.

۲۳- پایگاه اسراء آیت الله جوادی آملی / تفسیر سوره اخلاص جلسه ۱ (۲۶/۰۱/۱۳۹۹)

۲۴- (علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۲)

۲۵- (کافی، ج ۲، ص ۶۶۶)

۲۶- (مجموعه آثار استاد قرائنی)

۲۷- (مجموعه آثار استاد انصاریان / تفسیر حکیم، ج ۳، ص: ۲۹۰ /

۲۸- (مجموعه آثار استاد انصاریان / تفسیر حکیم، ج ۸، ص: ۲۱۸)

۲۹- (بیان معنوی / پایگاه استاد پناهیان)

۳۰- منبع: امالی شیخ طوسی مجلس ۱۰

۳۱- (پایگاه مقام معظم رهبری)

۳۲- مهدی نراقی، جامع السعادت، ترجمه جلال الدین مجتبوی، ج اول، تهران، حکمت، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۲۳-۵.

۳۳- همان، ص ۱۴۵.

۳۴- جلال الدین سبوطیف تاریخ الطفا، قم، شریف الرضی، طبع الاولی، ۱۴۱۱/۱۳۷۰، ص ۱۸۰ و محمود مهدوی دامغانی، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، جلد اول، تهران، نشر نی، چاپ اول، اسفند ۱۳۶۷، ص ۳۱۸.

۳۵- حسین نوری، بیت المال در نهج البلاغ، تهران، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۳، ص ۴۵-۴۶.

۳۶- مهدوی دامغانی، جلد اول، همان، ص ۳۲۱.

۳۷- محمد بن علی بن طباطبا (ابن طقطقی)، تاریخ فخری و آداب ملکداری و دولت های اسلامی - ترجمه محدود حیدر گلپایگانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۷، ۴۳، ۶۶.

۳۸- (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی))

۳۹- (مجموعه آثار استاد محسن قرائتی / مجموعه فیش‌های تبلیغی (۲)، تقوی، ص: ۵)

بهترین‌های
فاطمه

کانال
فیش‌منبر
در اینستا